

گفت‌وگو «جوان» با نویسنده جوان و پر کاری که آرزوهایش یک کتاب می‌شود

نوشتن از شهدا تأثیر زیادی در زندگی من داشته است



کتاب به من بدهد و من هم اسمش را حسن بگذارم! همین‌طور هم شد. یک سال بعد حسن به دنیا آمد. «خورشید که غرق نمی‌شود» را هنگام بارداری حسن نوشتم. عشق مادر و پسر در این کتاب خیلی قوی بود و من همیشه می‌گفتم کاش پسر من هم این قدر با محبت و باصیرت باشد. حسن فعلاً که چهار ساله است خیلی مهربان است. امیدوارم بزرگ هم که شد مثل شهید کتابم عاقبت به خیر شود. برای نوشتن کتاب «یک محسن عزیز» که در دست چاپ است همه مصاحبه‌ها را خودم انجام دادم. بچه‌ها را می‌بردم پارک و خسته‌شان می‌کردم بعد می‌خوابیدند و من برای مصاحبه می‌رفتم. گاهی که مصاحبه طول می‌کشید، بیدار می‌شدند و به من زنگ می‌زدند و دلشان می‌خواست که من با صبر و حوصله با آنها حرف بزنم. گاهی با هم اختلاف‌پو می‌شد و از همدیگر به من گلاب و شکایت می‌کردند و من وسط مصاحبه که با افراد مهم و مشهور هم بود، مجبور بودم چهره به چهره مصاحبه‌شونده، به حرف‌های بچه‌ها گوش بدهم و با زبان بچگانه و لطایف‌الحیل آنها را آشتی بدهم، تا مجبور نشوم مصاحبه را نیمه‌کاره گذاشته و به خانه برگردم!

اشاره کردید که کتاب جدیدی از شما منتشر می‌شود، کتاب دیگری هم در دست‌نوشتن دارید؟

بله کتاب «یک محسن عزیز» همین‌روزها از چاپخانه سورمه‌پر بیرون می‌آید. کتاب مربوط به سفرنامه اربعین‌را هم در دست‌نوشتن دارم که البته بیشتر آن را نوشته‌ام. این کتاب به زبان طنز نوشته شده و به احتمال زیاد نامش «سر بر خاک دهکده» باشد. چهار جلد کمیک‌استریپ درباره امام رضا(ع) برای نوجوانان هم دارم که انتشارات «هنشر» آنها را منتشر خواهد کرد. کتاب‌های زیادی هم هست که قصد نوشتن آنها را دارم اما وقتش را ندارم!

چه آرزوهایی دارید؟
آرزو که زیاد دارم. می‌توانم از لیست آرزوهایم کتاب بنویسم. مثلاً آرزو دارم می‌توانستم بچه‌های زیادی داشته باشم و همه را طوری تربیت می‌کردم که توانایی‌های سطح بالایی داشته باشند طوری که هر روزی که امام زمان(عج) ظهور می‌کرد با اطمینان می‌توانست گوشه‌ای از مسئولیت حکومت اسلامی جهانی را با خیال آسوده به آنها بسپارد.

چطور نویسنده‌ای هم در این‌چشم و همسری در این‌سن را با وظایف مادری و همسری جمع کردید؟

من در اوقاتی که بچه‌ها بیدارند و خانه هستم، فقط یک مادر هستم و وقتی که پدرشان به خانه می‌آید هم مادر و هم همسر هستم و در هیچ کدام این اوقات «نویسنده» نیستم. برای نوشتن مدیریت زمان دارم. کم می‌خواهم و از خدا هم خواسته‌ام در خواب کم‌کم من برکت قرار دهد و در زمان کم‌کم من هم برکت قرار دهد و در مادری و همسری‌ام هم برکت قرار دهد و همین‌طور ای‌آخرا!

برای کسانی که می‌خواهند به‌ادی‌نویسنده‌ی

قدم بگذارند چه توصیه‌ای دارید؟

اول نوع رابطه خود را با نوشتن مشخص کنند. اگر بدون نوشتن، نمی‌توانند زندگی کنند که توصیه من و امثال من به درد آنها نمی‌خورد. چون خودشان آن‌قدر می‌پویسند که راهش را هم پیدا می‌کنند و اگر می‌توانند بدون نوشتن هم زندگی کنند و به نویسنده‌گی به عنوان یک علاقه یا ضرورت یا شغل نگاه نمی‌کنند، باید خودشان را واکاوی کنند. اگر نوشتن برای آنها صرفاً علاقه است، زیاد بخوانند و ببینند از چه سوزه‌ها و سبک نوشتن بیشتر خوششان می‌آید و شروع کنند در آن عرصه بنویسند. می‌توانند از صفحه مجازی خودشان شروع کنند. یک دوره تئوری داستان را هم بگردانند یا بخوانند خوب است و حتی لازم است، ولی قطعاً کافی نیست. کسانی که ضرورتی برای خوب نوشتن دارند هم خیلی باید زحمت بکشند و ببینند دقیقاً چه هدفی از نوشتن دارند. هر چه آن ضرورت را برای خودشان پررنگ‌تر کنند، تلاش برای بهتر نوشتن بیشتر می‌شود و به موفقیت نزدیک‌ترند و به آنها که به عنوان یک شغل می‌خواهند نویسنده شوند توصیه می‌کنم که شغل دیگری انتخاب کنند!

چرا تیراژ کتاب در کشور با توجه به جمعیت آن این‌قدر کم است؟

با عنوان «کتاب‌های سفارشی» موافق هستید؟ این پدیده را مذموم می‌دانید یا بدون اشکال؟

کتاب‌های سفارشی اگر صرفاً یک همکاری بین ناشر و نهاد و نویسنده برای از سر باز کردن وظیفه و نیاز باشند، بسیار مذموم و خطرناک و آسیب‌زاست اما اگر ناشر یا نهاد دغدغه و سوزه خوبی دارد و آن را به نویسنده خوبی سفارش بدهد و دغدغه هر دو طرف به انجام رسیدن یک کار خوب باشد نه از سر رفع تکلیف و گزارش‌سازی، چرا که نه. کلی سوزه بگر و ناب و بودجه معطل داریم و کلی نویسنده خوب که اینها از هم خبر ندارند! کسی نباید توی تجاری و یک کتابخانه بی نظیر و باشکوه با چوب فلان و نقشه فلان بخواهد چشم‌نجار هم برق بزند از تصور چیزی که ازش خواسته شده و خوشحال شود که کسی هست که توانایی‌هایش را می‌داند و از او چنین کاری می‌خواهد، بد است؟

■ زینب امجدیان
از دوره دبیرستان برای هر اتفاقی، یک متن می‌نوشت و آن را که رگه‌هایی از طنز هم داشت برای دیگران می‌خواند. در هر مسابقه مقاله‌نویسی که در سطح مدرسه و شهر برگزار می‌شد، شرکت می‌کرد و اغلب هم تبه می‌آورد. در مسابقه داستان‌نویسی در زمینه بیوتکنولوژی که دانشکده زیست‌شناسی دانشگاه شهید بهشتی برگزار کرده بود، نفر اول شد و یک سکه گرفت. همان جا تصمیم گرفت قطار زندگی‌اش را عوض کند. سوار قطار نویسنده‌گی شد و تا امروز نگهداری از سه فرزند خردسالش دارد. «جوان» با «فاطمه غفار حدادی» گفت‌وگو کرده است.

■ ■ ■

چطور شده‌به نویسنده‌گی علاقه پیدا کردید و از کی نویسنده‌گی را آغاز کردید؟

نویسنده شدن من غافلگیر کننده اتفاق افتاد. یعنی در زمانی که انتشارش را نداشتم و دنبالش هم نبودم، نویسنده شدم. انگار که چارهای هم جز آن نبود. نه آن که دردی متحمل نشدم و زحمتی نکشیدم اما مثل سزارین نبود که تصمیم بگیرم به‌اتفاق عمل بروم و نویسنده بیرون بیایم. از دوره دبیرستان برای هر اتفاقی چیزی می‌نوشتم. برای من مثل تفریح بود. مثلاً وقتی خانه خودمان را تغییر می‌دادیم، یک نامه خداحافظی می‌نوشتم. هر اتفاقی در زندگی منجر به نوشتن یک متن می‌شد. معمولی در کلاس چرت می‌زد، اتفاق بازمه‌ای برای هم کلاسی‌ها می‌افتاد، امکانات مدرسه به‌روز می‌شد... اینها سوزه برای نوشتن من می‌شد. معمولاً همه‌ای‌ان که نوشته‌هایم را برای آنها می‌خواندم، لذت می‌بردند چون اغلب برگرفته از حوادثی بود که در اطراف آنها هم اتفاق می‌افتاد و بارگه‌های طنز نیز همراه بود. یک نشریه دیواری داشم آموزی کاملاً خودجوش و ناشنیده که با همکاری بچه‌های نویسندهم و هر هفته منتشر می‌کردیم و همه می‌خواندند. در هر مسابقه مقاله‌نویسی و متن ادبی یا دلبوشته که در سطح مدرسه و شهر برگزار می‌شد، شرکت می‌کردم و اغلب هم تبه می‌آوردم دفتر خاطرات هم داشتم که هر شب می‌نوشتم. با این حال هنوز خیلی واقف نبودم که باید این مسیر را ادامه بدهم!

اولین نوشته شما که مورد توجه قرار گرفت غیر از انشای مدرسه، چه بود؟

اولین بار اطلاعیه مسابقه «داستان نویسی در زمینه بیوتکنولوژی» را در برد دانشکده زیست‌شناسی دانشگاه شهید بهشتی دیدم. من دانشجوی ارشد زیست‌دب بودم و در حوزه بیوتکنولوژی مطالعاتی داشتم. بی‌اختیار داستان را نوشتم. یعنی نمی‌دانم چطوری شد که آن را نوشتم. یک روز صبح از خواب بیدار شدم و یک داستان درباره بیوتکنولوژی نوشتم! شاید اولین داستانی بود که نوشته بودم. چیزهایی که قبلاً می‌نوشتم داستان نبود. روایت‌های طنز و جدی و غمگین و اغلب در قالب خاطره بود. داستان را فرستادم و واقعاً فراموش کردم چنین صبحی را که داستانی از من زاده شده بود. چند ماه بعد از انجمن بیوتکنولوژی ایران رنگ زنده که داستان شما حائز رتبه اول شده است و از من برای حضور در اختتامیه دعوت کردند. رفتم و یک سکه هم جایزه دارم. واقعا در آن لحظه بود که احساس کردم قطار زندگی‌ام را اشتباه سوار شده‌ام. در همان نقطه از قطار پیاده و سوار بر قطار در خط نوشتن شدم.

دوره‌های آموزش کلاسیک نویسنده‌گی هم را هم گذرانید یا به‌طور تجربی نویسنده شدید؟

هیچ دوره کاملی را حتی در حد یک ترم نتوانستم بگذرانم. مدت کوتاهی در کلاس ثبت‌خاطرات شفاهی که توسط یک‌انتشاراتی برگزار می‌شد رفتم و پیشنهاد نوشتن اولین کتابم را هم از همان کارگاه گرفتم.

اولین کتابی که نوشتید چه بازتاب‌هایی داشت؟



روایت تازه‌ای از ادواردو

روایت تازه‌ای از داستان زندگی ادواردو آنیلی منتشر شد. «ادواردو؛ مسافری از رم»، به قلم فیلیمه نیکومنظر، نگاهی کوتاه و جذاب به زندگی ادواردو آنیلی، پسر سناتور آنیلی، یکی از ثروتمندترین خانواده‌های ایتالیا است. ادواردو بعد از تحقیقات زیاد شیعه می‌شود و نام «هدهدی» را برای خودش انتخاب می‌کند. زندگی ادواردو نکته‌هایی زیبا و آموختنی برای همه اقشار جامعه دارد و این شخصیت حقیقت‌طلب ایتالیایی را برای جامعه ما جذاب و دوست‌داشتنی کرده است. این کتاب را گروه کودک و نوجوان عهدمانا (نمک) با تصویرگری جذاب در ۶۸ صفحه و با قیمت ۷هزار تومان منتشر کرده است.

رویش برنامه‌های مشابه با حال و هوای «ماه عسل» در تلویزیون

تعطیلی «ماه‌عسل» راه را برای کپی‌های دست‌چندم باز کرد

محمد صادقی

با تعطیلی برنامه «ماه عسل» که طی نزدیک به یک دهه مهم‌ترین برنامه تلویزیونی در ماه مبارک رمضان لقب گرفته بود، امسال شاهد تولید آثار مشابه با این برنامه در دیگر شبکه‌های تلویزیونی هستیم. به رغم اینکه تلویزیون رضایت داد برن چند ساله «ماه عسل» به بهانه تولید برنامه استعدادیابی «عصر جدید» تعطیل شود، این فرصت برای دیگر شبکه‌های تلویزیونی مهیا شده است تا با تقلید از حال و هوای «ماه عسل» برنامه‌های مشابه اماضعیفی را کپی‌سازی کرده‌اند روی آنتن بفرستند. نبود خلایقی در برنامه‌سازی تلویزیونی یکی از ایرادات همیشگی به ساخت برنامه‌های تلویزیونی مشابه در شبکه‌های متعلق به صداوسیماست. نداشتن خلاقیت امسال خود را در قالب کپی‌کاری از «ماه عسل» نشان داد. ماه عسل پربیننده‌ترین برنامه ماه رمضان سیما که ۱۱سال سابقه حضور در تلویزیون را داشت چند سالی بود که با اجرا و تهیه‌کنندگی احسان علیخانی، پیش از آغاز آن از شبکه ۳ سیما پخش می‌شد و به برنامه‌ای پخته تبدیل شده بود. امسال که شبکه ۳ ویژه‌نامه ماه رمضان دارد، شبکه‌های دیگر سعی کرده‌اند این خلأ را به نفع خود پر کنند. «مهر» در گزارشی با معرفی برنامه‌های مشابه ماه عسل که این شب‌ها روی آنتن تلویزیون می‌روند، نوشت: «برنامه‌های مناسبتی رمضان که پیشترین شاخص، معیار و استاندارد را باید در تولید و برنامه‌سازی رعایت کنند، انگار حتی از تعریف حداقلی برای اینکه چه هدف و رویکردی دارند بی‌بهره‌اند. امسال این برنامه‌ها انگار در نبود «ماه عسل» که یک دوست دارند «ماه عسل» تازه‌ای باشند تا مخاطبان برنامه‌ای را که پرونده‌اش زیاده‌بسته شده را به سمت خود جذب کنند. در این میان البته برخی از این برنامه‌ها جذاب‌تر و برخی کسل‌کننده‌تر، برخی خلأقر و برخی بدون هیچ الگو و اتفاق جدیدی این رویه را پیش گرفته‌اند اما همه در یک ویژگی مشترکند و آن «اصل نبوده» است. «برنامه تلویزیونی «دعوت با اجرا حجت‌الاسلام برمایی در شبکه یک، «هزار راه نرفته» کاری از گروه اجتماعی شبکه ۲ سیما، برنامه «معنای زندگی» شبکه ۴ سیما، برنامه «اختیار» که از شبکه ۵ سیما پخش می‌شود و «هزار داستان» شبکه نسیم سیما، اجتماعی و سبوت» که هر یک به نوعی تلاش دارند با جای پای «ماه عسل» بگذارند. برنامه «اختیار» پیش از سایر برنامه‌ها تلاش کرده است شبیه ماه عسل شود. این برنامه پیش از ماه رمضان در قالب یک تاک‌شو شبانه گفت‌وگوهایی با شخصیت‌های هنری، اجتماعی و سبوت» داشت که از آن میان گفت‌وگو با مرحوم جمشید مشایخی به دلیل پرداختن به خودکشی تختی حاشیه‌ساز شد. حال این برنامه در یک دگردیسی به نمونه مشابه ماه عسل تبدیل شده است.

جزئیات سریال بهروز افخمی برای نوروز ۹۹

بهروز افخمی کارگردان سینما و تلویزیون که از قصد خود برای ساخت یک سریال تلویزیونی درباره سبیل‌های اخیر خبیر داده بود، جزئیات تازه از این مجموعه را با نام «عد و برق» تشریح کرد. به‌گزارش «جوان» بهروز افخمی درباره

سریال خود که با محور سبیل قرار است آن را بسازد به مهر گفت: این روزها درگیر تحقیق و نگارش سریالی درباره سبیل‌های اخیر هستم که قرار است برای نوروز ۹۹ آن را آماده کنم. وی با اشاره به دیگر جزئیات این سریال که نام «عد و برق» را برای آن انتخاب کرده است، اضافه کرد: سفرهایی به اهواز و دیگر مناطق سیل‌زده داشتم و در این سریال قصد دارم به سبیل سرسبز کشور بپردازم. این مجموعه قرار است پس از تولید از شبکه‌۵ سیما روی آنتن برود. این کارگردان درباره فضای این سریال با توجه به حوادث تلخ سیلاب اخیر نیز اظهار کرد: این سریال فضایی کم‌دی حادثه‌ای دارد، کم‌پایکته‌خود سیلاب‌های اخیر هم برای خیلی‌ها بیشتر نوعی ماجراجویی بود. افخمی درباره تر کبیب بازیگران این مجموعه نیز یاد او شد: به نظر من این سریال حدود ۱۰ تا ۱۵ شخصیت اصلی و بیش از ۱۰۰ شخصیت فرعی با داستان‌های فرعی دارد. وی افزود: داستان‌های این سریال رگه‌هایی درهم پیچیده دارد، همان‌طور که سبیل هم به صورت سرسری در تمام کشور از شمال تا جنوب را درگیر کرده بود. این کارگردان توضیح داد: شاید بتوان گفت ساختار داستانی این سریال به برخی از فیلم‌های قبلی‌ی را برتر از آئتمن شبیه است، از این حیث که شخصیت‌های زیاد با نقش‌های کوتاه دارد. وی در پایان بیان کرد این سریال را به تهیه‌کنندگی داوود هاشمی خواهد ساخت.



دکتر محمدحسین رجبی دوانی:

صداوسیما پرچم امریکارا حذف کرده اما فرهنگ امریکارا تبلیغ می‌کند

استادبرجسته دانشگاه و پژوهشگردینی‌بابیان‌اینکه صداوسیما در دوران روزمرگی فکر می‌کند با حذف صحنه‌های مستهجن، فرهنگ امریکایی تبلیغ نمی‌شود، گفت: پرچم منحوس امریکارا در فیلم‌های امریکایی حذف کرده‌اند تا مثلاً مخاطب متوجه نشود حال اینکه از طرق دیگر فرهنگ امریکایی را ترویج می‌کنند. دکتر محمدحسین رجبی‌دوانی در گفت‌وگو با نسیم ضمن تأکید بر این نکته که متأسفانه صداوسیما با آن نقطه مطلوب فاصله قابل توجهی دارد، افزود: به‌رغم حضور مدیران مؤمن و انقلابی در سال‌های اخیر ولی به‌نظر می‌رسد بدون برنامه‌ریزی دقیق و با هدف جذب مخاطب بیشتر به تقلید از شبکه‌های خارجی، برنامه‌هایی ساخته می‌شود و روی آنتن می‌رود که در تراز انقلاب اسلامی و اهداف انقلاب نیست.

وی با ابراز اینکه صداوسیمای ما باید کاملاً متفاوت از تلویزیون‌های سایر کشورها باشد، تصریح کرد: اگر صدا و سیما جمهوری اسلامی برنامه مناسبتی و حتی غیرمناسبتی می‌سازد باید کاملاً متفاوت را رادیو و تلویزیون‌های سایر کشورها، حتی کشورهای مثلاً اسلامی دیگر باشد، زیرا ما انقلابی کردیم که این انقلاب فرهنگی است، این انقلاب ادعای ساختن تمدن نوین اسلامی ما دارد، لذا باید تمام برنامه‌های صداوسیما حتی فیلم‌هایی که نمایش می‌دهد دارای هدف باشد، نه صرفاً پُر کردن وقت مردم و سرگرم کردن آنها! در این صورت دیگر صداوسیمای جمهوری اسلامی ایران نیست.

رجبی‌دوانی در پاسخ به این سؤال که چرا این‌قدر بی‌حساب و کتاب مجری به تلویزیون می‌آید خصوصاً اینکه برخی از آنها با مناسبت‌هایی چون رمضان سنخیت ندارند، تصریح کرد: بسیاری اعتقاد دارند این روزها تلویزیون برای استفاده از مجری، یک رویه رسمی‌دوانی و امثال من به درد آنها نمی‌خورد. چرا که به واسطه این نوع رفتارها و برخورد‌های غیرحرفه‌ای، برخی مجریان باسابقه مذهبی و انقلابی کنار گذاشته شدند و بازیگران سینما را به عنوان مجری آوردند، بعضاً اینها نه رنگ و روی انقلابی دارند و نه مذهبی! وی اضافه کرد: صرف اینکه برنامه را با یک «به نام خدا» شروع کنند ظاهر برای صداوسیما کافی است و اینکه محتوا چیست، چه کسانی هستند و از طریق صداوسیما این افراد چه به‌خورد جامعه می‌دهند ظاهر مهم نیست، کما اینکه یکی از این بازیگران سینما که با وقاحت در فضای مجازی به سگ‌بازی خودش اعتراف و افتخار کرده مجری یک برنامه مناسبتی مام رمضان می‌شود که این اتفاق، فاجعه است. به‌طور کلی تا وقتی که فضای سینمای ما با یک سینماگران ما در تراز انقلاب اسلامی نباشند، به نظر من یک چنین میدان دادن‌هایی به برخی بازیگران سینما، خیانت به آرمان‌های انقلاب و خلاف انتظاری است که امام(ره) و رهبر معظم انقلاب از صداوسیما داشته و دارند.

اکران ناموفق فیلم‌ها در ماه رمضان طرح آزموده‌شده‌ای که باز هم شکست خورد

در حالی که شش فیلم سینمایی به دنیا آمدن، تولدت مبارک، خانه دیگری، سامورایی در برلین، نبات و کیسل مدافع در چینش اکران رمضان امسال قرار گرفتند اوضاع گیشه آنها نشان می‌دهد در مجموع نتوانستند مورد استقبال مخاطبان قرار بگیرند! اتفاق تلخی که سابق بر این در موارد مشابه هم تجربه شده، رضا سعیدی پور مدیر پردیس سینمایی ایران‌مال در این باره بیان کرد: متأسفانه برای فیلم‌هایی که رمضان روی پرده رفت غیر از یک یا دو فیلم، آن طور که دلخواه ما باشد اتفاقی نیفتاد و استقبال خوبی تا به امروز از آنها نشده است. می‌توان گفت یکی از علت‌های اصلی این عدم استقبال، نبود تبلیغات شهری خوب بود. وی افزود: امسال حال گیشه و سینما با طرح رمضان هم خوب نیست چون بسیاری از مردم به علت نبود تبلیغات کافی از نیم‌بها بودن بلیت‌ها قایل از افطار مطلع نیستند. قطعاً اگر تبلیغ بهتری داشتیم، اتفاق بهتری رخ می‌داد.

این مدیر سینمایی بیان کرد: با این اوصاف هنوز فروش «متری تنگراس ۲» و «متری شیش و نیم» و کم‌ک گیشه و سینما آمده و اکران رمضان از پیرنگ نگه داشته است. هاشم میرزاخانی مدیر پردیس سینمایی ملت هم عنوان کرد: همان‌طور که در رمضان امسال مشاهده می‌کنیم، فروش‌ها افت جدی پیدا کرده که علت اصلی آن نوع چیدمان فیلم‌هاست به طوری که آثار گمنامی که مردم از آنها ارتباط ذهنی و قلبی ندارند و در جشنواره‌ها هم اتفاق خاصی برای آنها رخ نداده، اکران شدند.

وی افزود: در این شرایط فیلم‌ها خودشان، خودشان را باید نشان دهند و بالا بکشند و فقط «سامورایی در برلین» است که توانسته نسبت به بقیه بهتر عمل کند، از طرفی تبلیغات شهری این آثار هم در سطحی که مناسب باشد، دیده نمی‌شود و تقریباً طرح‌آان اذان تعطیل است و استقبال خوبی از آن نشده است.

این مدیر سینمایی اضافه کرد: مسائل مختلفی چون مشکلات اقتصادی هم در عدم استقبال مخاطبان از سینما بی‌تأثیر نیست و قطعاً تأثیر جدی در فرآیند مراجعه به سینما گذاشته است اما به نظر مهم‌ترین علت، چیدمان فیلم‌ها بود که با اقبال جدی از سوی مخاطبان روبرو نه‌شد. وی عنوان کرد: در این شرایط هنوز «تگراس ۲» و «متری شیش و نیم» و تا حدودی «سامورایی در برلین» در فروش تأثیر دارند. اگر زمینه‌ای برای تولید فیلم‌هایی با موضوع ماه مبارک رمضان و اناری که فضای معنوی بیشتری دارند آماده شود، اتفاق بهتری در جذب مخاطب خواهد افتاد. امیدوارم برای عید فطر که در آن قرار داد چند فیلم خوب به چشم می‌خورد، شاهد رونق بیشتر سینما باشیم.